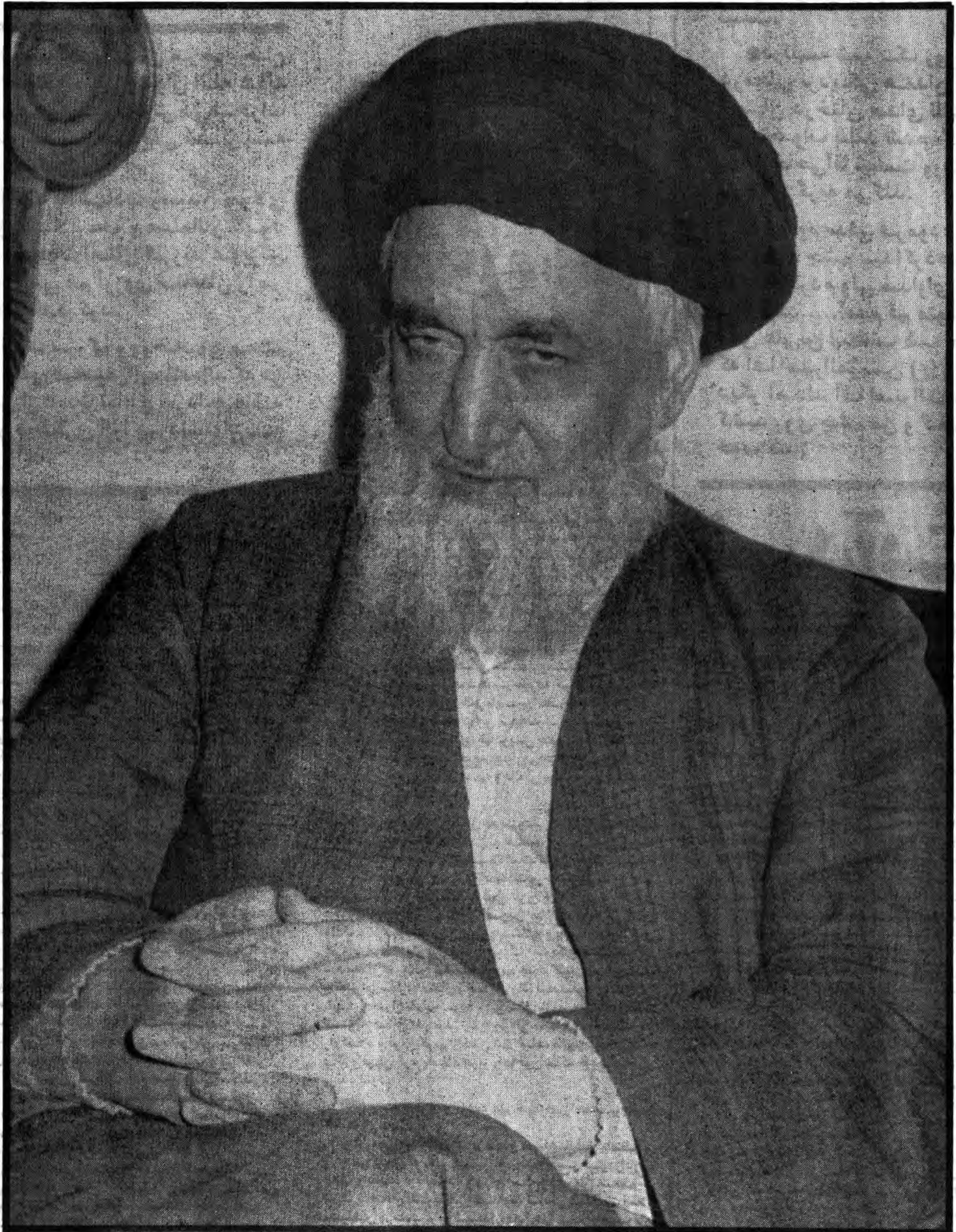


یادواره شهید مطهری

جمهوری اسلامی

پنجشنبه ۱۸ شهریور ۱۳۶۱ - شماره ۴۹۰ - سال چهارم

# با صبا در چمن لاله سحر می‌گفتم که شهیدان که‌اند اینهمه خونین کفن‌ان

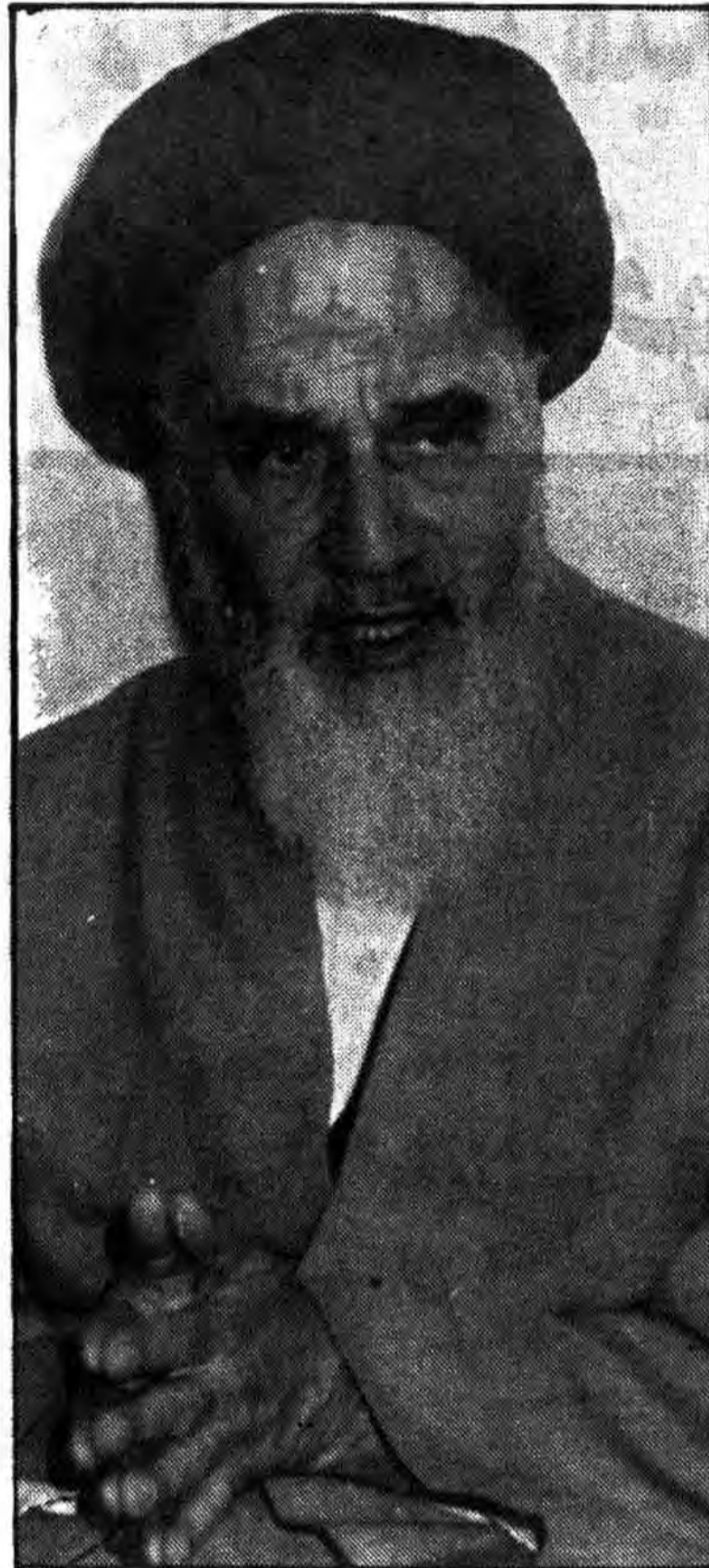


# شهید مدنی در بیان امام

● شهید عظیم الشان مرحوم حاج سید اسدالله مدنی رضوان الله علیه همچون جد بزرگوارش در محراب عبادت بدست منافقی شقی به شهادت رسید.

● اگر با به شهادت رسیدن مولای متقیان، اسلام محو و مسلمانان نابود شدند شهادت امثال فرزند عزیزش شهید مدنی هم آرزوی منافقان را بر آورده خواهد کرد.

● ملت بزرگ و روحانیون معظم چون صفی مرصوص ایستاده اند که هر پرچمی از دست توانای سرداری بیفتد سردار دیگری آنرا برداشته و به میدان آید.



● آقای مدنی قبل از اینکه در مبارزات سیاسی مداخله بکند قبل از آنی که در اداره کردن یک استان یا استانهایی دخالت بکند، خودش را اداره کرده بود.

● بعضی از بزرگان و علماء میگفتند آن وقتی که ماحالات ایشان را می دیدیم خیال می کردیم روح در این قالب نیست.

● در نیمه شب یک روز تابستانی در محلی نزدیکی همدان من دیدم از میان درختان صدای ناله می آید از رختخواب بلند شدم نگاه کردم دیدم حاجی آقا نیست و رفته در میان درختان گریه می کند.

● مرحوم مدنی فرمود: در ۷ سال قبل درد چشم پیدا کردم به اطباء مراجعه کردم ولی مداوای آنها مؤثر واقع نشد... آمدم قم متوسل شدم به آقای علی بن ابیطالب شب خواب دیدم که آقا امیرالمؤمنین (ع) و یک نفر دیگر آمدند آقا امیرالمؤمنین دست کشید روی چشم من و گفت چشمت خوب شد.

## شهید آیت الله

نسبت به هیچکس نداشت با ای همه آنها که بزرگند که ای بزرگ نبودند به قرب خ نمیرفتند. بلی مرحوم آقای مدنی قبل از اینکه در مبارزات مداخله بکند قبل از آنی که اداره کردن یک استان یا استانهایی دخالت بکند خودش را اداره کرده بود ایشان اول عرض به نفس وبعد از آن عرفان به پیدا کرده بود بعد آمده به میدان سیاست و این عرفان نفس و عرفان به حد است که به انسان انسانیه میدهد، عرفان یک حد حصولی و چشیدنی است. بعضی از بزرگان و ع میگفتند آن وقتی که ما حاشا ایشان را می دیدیم خیال میکردیم روح در این قالب نیست به برادران ما نیمه های شب ای می دیدیم حالات نورانی و من با صفای ایشان در مناجات نیمه شبشان نظاره گر بودیم. در نیمه شب یک تابستانی در محلی نزدیکی همدان من دیدم از میان درختان صدای ناله می آید از رختخواب بلند شدم نگاه کردم دیدم حاجی آقا نیست و رفته در میان درختان گریه می کردیم... خدایا من آم خدایا اگر تو به من نه بگوئی تو منو ترک کنی کیست که دریابد غیر از تو مگر ما که داریم... این حرفها را میزد اشک میریختند.

### «متن مصاحبه با داماد شهید محراب آیت الله مدنی»

س- لطفاً کمی در مورد شخصیت و خصوصیات اخلاقی شهید محراب حضرت آیت الله مدنی توضیح دهید؟  
بسم الله الرحمن الرحیم؛ باید بگویم که آقا را ما نشناختیم، نه من بلکه فضایی قم و جامعه مدرسین که بعضی شان صحبت میکردند میگفتند ایشان را ما نشناختیم. ایشان را هیچکس نتوانست بشناسد. ایشان فقط امام شناختند که در آن نامهای که در رابطه با جریان همدان بود به ایشان نوشتند. این تعبیر را امام برای هیچکس نداشتند. این بود که بعد از آن السقاب حجت الاسلام والمسلمین این تعبیر را امام دارند که شما سیدالعلماء الاعلامید این تعبیر از من نیست از یک فاضل مدرس حوزه نیست از یک انسان ساخته شده منضبط در ادای کلمات و نوشتن کلمات است و آن امام است که میبینم میگوید شما سرور بزرگان علماء هستید یا در جایی دیگر امام این تعبیر را دارد که شما در جهات علمی و عملی موصوف هستید یا در جایی دیگر بعد از شهادت ایشان عباراتی را که امام نسبت به ایشان داشت

بی پای می تراشیدند در شهادت این عالم متقی که جز درباره خدمت به اسلام و مسلمانان نمی اندیشید بهانه ای جز انتقام از اسلام و ملت شریف نمی توانستند بتراشند. انتقام از اسلام که آنرا اساس سقوط دستگاههای جبار و شکست ابرقدرتها در ایران و پس از آن در منطقه می بینند و از ملت قدرتمند که پشت بر آنان نموده و کاسهای آمل و آرزوی آنان را در هم کوبیده و تمامی آنانرا از صحنه تاابد بیرون رانده است می گیرند، مردم رزمنده ایران و خصوصاً مردم غیرتمند آذربایجان که چنین روحانی متعهد و معلم عالیقدری را از دست داده اند و حریف شکست خورده خود را می شناسند با عزمی جزم و اراده ای خلل ناپذیر انتقام خود را از آنان می گیرند. اینجانب شهادت این مجاهد عزیز عظیم و یاران باوفایش را به پیشگاه اجداد طاهرینش خصوصاً بقیه الله ارواحنا لفلدا و به ملت مجاهد ایران و اهالی غیور و شجاع آذربایجان و به حوزه های علمی و خاندان محترم این شهیدان تبریک و تسلیت می گویم.

خط سرخ شهادت خط آل محمد و علی است و این افتخار از خاندان نبوت و ولایت به ذریه طیبه آن بزرگواران و به پیروان خط آنان به ارث رسیده است. درود خداوند و سلام امت اسلامی بر این خط سرخ شهادت و رحمت بی پایان حق تعالی بر شهیدان این خط در طول تاریخ و افتخار و سرفرازی بر فرزندان پرتوان پیروزی آفرین اسلام و شهدای راه آن و ننگ و نفرت و لعنت ابدی بر وابستگان و پیروان شیاطین شرق و غرب خصوصاً شیطان بزرگ آمریکای جنایتکار که بانقشه های شیطانی شکست خورده خود گمان کرده ملتی را که برای خداوند متعال و اسلام بزرگ قیام نموده و هزاران شهید و معلول تقدیم نموده با این دغل بازیها میتواند سست کند و یا از میدان بدر برد. اینان پیروان سید شهیدانند که در راه اسلام و قرآن کریم از طفل شش ماهه تا پیر مرد هشتاد ساله راقربان کرد و اسلام عزیز را با خون پاک خود آبیاری و زنده نمود.

قوای مسلح و مردمی ماهمه چیز خود را در راه هدف و عقیده فدا نموده است.

ارتش و سپاه و بسیج و سایر قوای مسلح نظامی و انتظامی و مردمی مایه پیر اولیائی هستند که همه چیز خود را در راه هدف و عقیده فدا نموده و برای اسلام و پیروان معظم آن شرف و افتخار آفریدند از خداوند تعالی عظمت اسلام و مسلمین و رحمت برای شهیدان خصوصاً شهدای اخیران و بالاخص شهید عزیز مدنی معظم و سلامت کامل برای مجروحین این حادثه و صبر و استقامت برای ملت بزرگ خصوصاً آذربایجانیهای عزیز و باز ماندگان شهیدان خواهانم، سلام و درود بر همگان.

والسلام علی عبدالله الصالحین

حضرت آیت الله العظمی امام خمینی رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران بمناسبت شهادت آیت الله مدنی امام جمعه تبریز در سال گذشته پیامی فرستادند متن پیام امام امت بدین شرح است:

بسم الله الرحمن الرحيم  
انالله و انالیه راجعون

با شهید نمودن یک تن دیگر از ذریه رسول الله و اولاد روحانی و جسمانی شهید بزرگ امیرالمؤمنین سند جنایت منحرفان و منافقان به ثبت رسید. سید بزرگوار و عالم عادل عالیقدر و معلم اخلاق و معنویات حجت الاسلام والمسلمین شهید عظیم الشان مرحوم حاج سید اسدالله مدنی رضوان الله علیه همچون جد بزرگوارش در محراب عبادت بدست منافقی شقی به شهادت رسید، اگر با به شهادت رسیدن مولای متقیان، اسلام محو و مسلمانان نابود شدند شهادت امثال فرزند عزیزش شهید مدنی هم، آرزوی منافقان را بر آورده خواهد کرد.

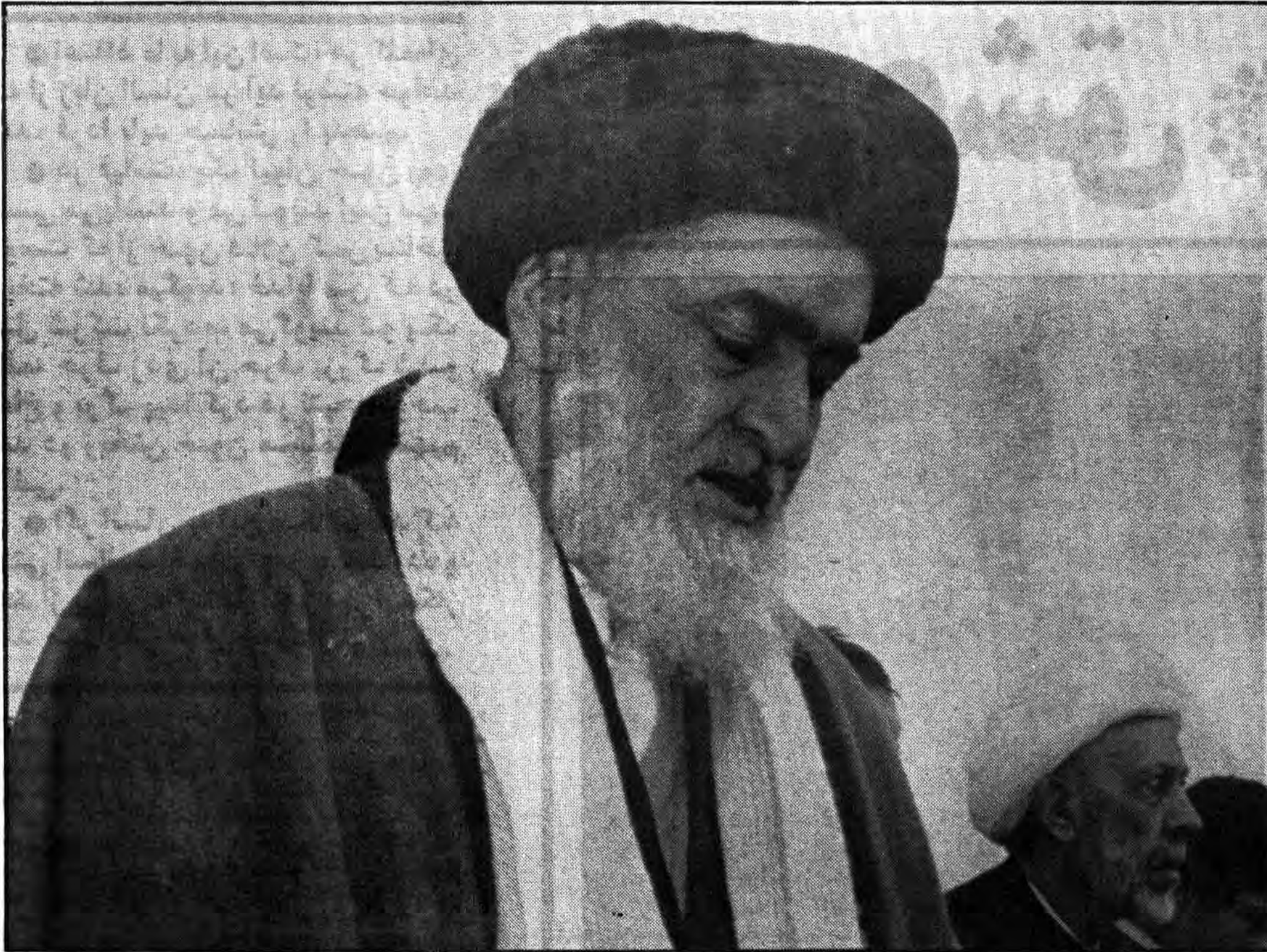
ملت بزرگ و روحانیون معظم چون صفی مرصوص ایستاده اند

اگر خوارج سیاه بخت از شهادت ولی الله اعظم طرفی بستانند و به حکومت رسیدند این گروهکهای خائن نیز به آمل خبیث خود که سقوط حکومت اسلام و برقراری حکومت امریکائی است میرسد آنان لعنت خدا و رسول و ننگ ابدی را برای خود و اینان عذاب ابدی خدا و نفرت و لعنت قادر متعال و امت اسلام را برای خود و هم پیمانان و اربابان خونخوار خویش ببار آوردند. ملت بزرگ و روحانیون معظم چون صفی مرصوص ایستاده اند که هر پرچمی از دست توانای سرداری بیفتد سردار دیگری آنرا برداشته و به میدان آید و با قدرت بیشتر در حفظ پرچم اسلامی به کوشش برخیزد شهید مدنی با شهادت مظلومانه خود ضدانقلاب و منافقین ضد اسلام را بکلی منزوی کرد. این چهره نورانی اسلامی، عمری را در تهذیب نفس و خدمت به اسلام و تربیت مسلمانان و مجاهده در راه حق علیه باطل گذراند و از چهره های کم نظیری بود که بعد وافر از علم و عمل و تقوی و تعهد و زهد و خودسازی برخوردار بود.

بشهادت رساندن چنین شخصیتی به تمام معنی اسلامی همراه با تنی چند از فرزندان اسلام و یاران با وفای انقلاب اسلامی در میدان نماز جمعه و در حضور جماعت مسلمین جز عناد با اسلام و کمر بستن به محو آثار شریعت و تعطیل جمعه و جماعت مسلمین توجیهی ندارد.

ملت رزمنده ایران انتقام خود را از حریف شکست خورده می گیرند.

اگر تا امروز برای جنایتها و شرارتها خود بهانه های



مرحوم مدنی میفرمودند «در ۴۱ سال قبل درد چشم پیدا کردم به اطباء قم مراجعه کردم لی مداوای آنها مؤثر واقع نشد مرحوم آیتا... حجت به من گفت و حیف هستی که چشم درد شوی و چشمت خوب نشود و توانی در حوزه فعالیت بکنی برو پهلوی فلان دکتر در تهران امای نوشت من رفتم پهلوی این قای دکتر آنهم دوا داد ولی باز وثر واقع نشد آمدم قم متوسل بدم به آقا علی ابن ابیطالب. ب خواب دیدم که آقا سیرالمؤمنین و یک نفر دیگر مدند آقا امیرالمؤمنین دست شهید روی چشم من گفت نشمت خوب شد. این چیه مگر هر کس میدهند. نه اینها مزه رب به خدا را وصل به حق را ریافته بودند مگر غیرو اصلاً گر غیر عارف میتواند در سال ذشته در مشهد مقدس داخل سرب...  
اعلی ابن موسی الرضا را ستشو می دهد و آنجا دو رکعت از می خواند و همراه مرحوم تا... دستغیب مرحوم آیتا... صدوقی مرحوم حجت الاسلام هاشمی نژاد و مرحوم آیتا... های مدنی چهارتایی ضریح لهر را شستشو می دهند ضریح رفته کرده و هر کدامشان دو کعت نمازی می خوانند و از آقا ی ابن موسی الرضا می خواهند ه از خدا بخواهد شهادت را پیشان بکند. بلی خصوصیت

● ایشان اول عرفان به نفس و بعد از آن عرفان به رب پیدا کرده بود بعد آمده بود میدان سیاست.

● در سال گذشته در مشهد مقدس داخل ضریح آقا علی بن موسی الرضا را شستشو می دهد و دور کعت نماز می خواند و همراه مرحوم آیتا... دستغیب، مرحوم آیتا... صدوقی و مرحوم حجت الاسلام هاشمی نژاد دور کعت نماز می خوانند و از آقا علی ابن موسی الرضا می خواهند که از خدا بخواهد شهادت رانصیبشان کند.

## دنی عارفی نا شناخته

کنار می گذاشت و شروع به عبادت و مطالعه میکرد انسان باید رسیده باشد که تا بتواند این چنین از خود بگذرد. در غذا خوردنش دیده بودید. غذا انسان را فریه نمیکند غذا به انسان نیرو

شما خودتان را وقف این بجهما میکنید؟ گفت اگر من آغوشم را باز نکنم آغوشهای باز شده نگر کننده دیگری هست که اینها را دریابد و ببرد.  
در مورد استادی ایشان در

گر ایشان جاذبه و دافعه بی بود که ایشان داشتند. آن آنچنان جاذبه ای داشت که های خودمونی که میرسیدند ن خیال میکردند که پتا شان یا محرم اسرارشان روبرو

خصوصیات اشاره شده است و غضوا با بصر هم. ایشان با اینکه مجتهد بودند نگذاشتند ما بفهمیم که در ۴۲ سال قبل مرحوم آیتا... حجت درباره ایشان گفتند که ایشان مجتهدند در معقول و مستقول.

ایشان فیلسوف بودند ولیکن ادعا نداشتند مرحوم آقای حکیم در مورد ایشان حرفها نوشتند که نوشته های ایشان پهلوی ماست. مرحوم آقای اصطهباناتی و دیگر علما نیز به همین ترتیب تا برسیم به خود امام. ایشان به امام ارادت کامل داشتند و میگفتند اگر من ولایت فقیه را قبول دارم باید تمام اوامر ایشان را اطاعت کنم.

یک جمله دیگر که میتوانستم در مورد ایشان بگویم این است که ایشان منقطع از ه سوی الله بود نه زن میدیدند نه فرزند و نه خانواده طوری که خانواده شان در قم بود و ایشان میگفتند من اگر اینها را بیاورم تبریز روزی یکی دوساعت باید و بقیتم را صرف اینها کنم در حالی که این دوساعت را هم میتوانم به این مردم خدمت کنم، خلاصه چیزهایی که در زندگی ایشان دیدیم فقط میتوان در زندگی امیرالمؤمنین (ع) دیده یادم هست یک موقی پیرمردی را ما راه ندادیم بروی توی خانه، دویدند توخانه بعد از ظهر داد آقا درآمد فریاد زد برسما که بابا من جواب خدا را چه بدهم این



نمیدهد چیزی که با آن انسان شبوروز میدود و تلاش میکند و خسته هم نمیشود وصل به حق و ربط با خداست.

در موقع حرف زدن همیشه چشم به پائین میدوخت و هیچگاه چشم به صورت آدم نمیداد و این شاید نشانه ای از خصوصیات اولیاء... باشد که در خطبه متقین (همام) نهج البلاغه به این

حوزهها باید بگویم که مقام ایشان به حدی رسیده بود که خود نمیدید. روزی چهارده درس در نجف با حرارت و گداخته و سوزان گفتن چهارده ساعت وقت میخواهد اقل پنج و شش ساعت مطالعه میخواهد و دوسه تا درس هم شرکت کردن. نقل میکنند ساعت ۱۴ شب یاد در این حدود میخواهد و بعد از یکساعت و نیم خواب بیدار میشد و خواب را

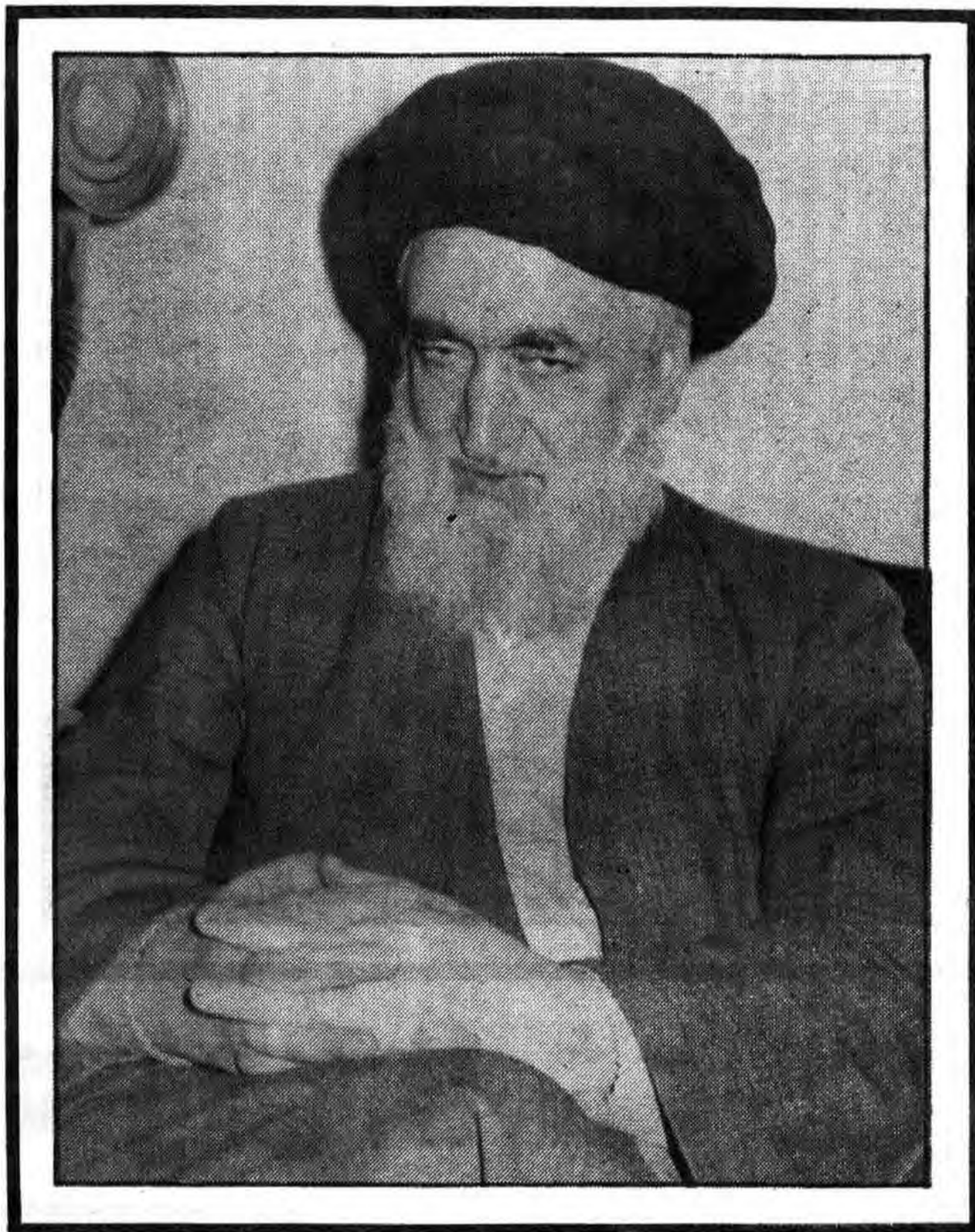
اند و آنچنان دافعه داشت که ن ایشان را از دور میدید و بد می لرزید. این مشخصه یک ن کامل است و این انسان ین این خصوصیت انسانی نمیتواند باشد.

صوبیت دیگر ایشان این ه آغوشش برای جوانها باز ن آن موقع به ایشان عرض م. حاجی آقا چرا اینقدر

جلو و عرض کردم نروید همینطور. حاج آقا نروید تیراندازی است اینها آمده اند برای کشتن از اینطرف و آنطرف هم تلفن میزنند که حاج آقا را نگذارید بروند بیرون. ایشان به من گفتند: از توتوق ندارم اگر من به مسجد نروم تضعیف روحیه مسلمانان کرده ام و من پیش خدا جواب ندارم چه جوابی به خدای خود بدهم که اگر به مسجد نرفتم بخاطر جاتم بود میگوید اسلام و انقلاب از تو عزیزتر بود. و ایشان به مسجد رفتند و نماز جماعت را اقامه کردند. این مختصری از حضور خصوصیات و خاطرات بنده از مرحوم آیت ا... مدنی رضوان الله علیه تمالی که خداوند انشاما... به همه ما توفیق ادامه راه آن شهید بزرگوار و دیگر شهدا را عطا فرماید.  
والسلام علیکم ورحمةالله و برکاته

مرد کار داشت و شما راهش نمیدادید.  
در پیروزی خط امام در تبریز ما مبارزه رودرو با آن شکل با خلق مسلمان نداشتیم تادر آن اواخر، در آن موقع نیمه های شب من میدیدم آقا بلند میشد و ایاک نستین (خدایا فقط از تو کمک میخواهم) را هزارها بار تکرار میکرد و این دعاها درسگوب آن جریان امریکائی نقش مهمی داشت مگر ما چی داشتیم؟  
از ۳۴ کمیته ۳۰ تایی آن در اختیار و در خدمت خلق مسلمان بودند و سپاه هم تازه تشکیل یافته بود و به آن صورت وضع خوبی نداشت.  
یک روز نزدیک غروب بود که خلق مسلمانیهایی که کمیته بازرسی را گرفته بودند بطرف خانه ایشان هم تیراندازی میشد نزدیک اذان بود بجهما رفتند و به ایشان گفتند نروید مسجد اتفاقاً زودتر میرفتند من رفتم

# ترنم عشق



● اعتقاد ما به این است، هر کلمه‌ای که از زبان انسان در آید نوشته خواهد شد، فردا باید حسابش را بدهیم.

● در قیامت، یک لیوان خون روی کسی می‌پاشند و می‌گویند این سهم توست که از خون فلان کس بناحق ریخته شده می‌گوید: خدایا من که در قتل شرکت نکردم، می‌گویند تو یک کلمه حرف زدی آن حرف بزرگ شد و شاخ و برگ پیدا کرد در نتیجه موجب شد در ریختن خون مسلمانی سهمی باشی.

● اگر انسان به این حد برسد که حتی انسانیت خود را زیر پا گذارده و بعد از یقین به آیات الهی باز انکار کند منشاءش همان خود بینی است.

شد و بجای دیگر رسید شاخ و برگ پیدا کرد نتیجه‌اش این شد که به اندازه این حرف در خون یک مسلمان شرکت کنی چطور میتوانی باشد یک انسان با حرفش در خون شرکت بکند آن بدبخت فراری که با یک کلمه دعوت به استقامت کرد و دیوانه‌ها را دیوانه‌تر کرد چقدر ناجوانمردانه جنایت‌ها کردند، آن بیچاره پیرزن که از مقابل مجلس رد میشد چه گناهی داشت تو هم یک وقت پشت سر کسی حرف می‌زنی بزرگ میشود، دعوا میشود، منجر میشود خدای نکرده یقوت می‌بینی که خونها ریخته شد روی همین اصل می‌گویند چیزی که عمده انسان را به جهنم میبرد زبانش هست: منطقیهم السواء پس مواظب هستند گفتارشان گفتار خوب باشد چنانچه با یک کلام حیات داده میشود به یک مجتمع هفته گذشته اشاره شد دیگر توضیح نمیدهم انسان مسلمان متواضع میشود متکبر نمیشود ضرر منیت این را بدانید که رسول اکرم (ص) تواضع و اخلاق حسنه‌اش سبب شد که اسلام عالمگیر شود خدا لعنت کند به آنها که جلو پیشرفت اسلام سنگ انداختند اگر با آن کیفیت که رسول اکرم (ص) بنیانگذاری کرده بود و امیرالمؤمنین (ع) تعقیب میکرد

متن کامل آخرین خطبه‌های نماز جمعه تبریز به امامت شهید محراب آیت‌الله مدنی به تاریخ ۶۰/۶/۲۰

خطبه اول  
بسم الله الرحمن الرحيم  
برادران شما را و خودم را سفارش میکنم به تقوی خدا که راه نجات به غیر خدا نداریم یادآوری میکنم مطالبی از خطبه هفته گذشته در خصوص متقین آقا امیرالمؤمنین (ع) فرمود: منطقیهم السواء گفتار مسلمان و اهل تقوا باید گفتار صحیح باشد درست توجه کنید عزیزان روز جمعه روزی است که انشاءالله الرحمن دردهایمان را دوا بکنیم و درد اول درد خود انسان است به خاطر اینکه مستمع هر مقدار به کمال برسد و وقتی من مریض شدم به من چه فایده دارد، عزیزان به این فکر کنید اعتقاد ما است آیه قرآن است، ما یلفظ من قول الالادیه رقیب اصلا یک کلمه از زبان انسان در نمی‌آید مگر اینکه پیش آن کلمه‌ای به نگرهبانی مهیاست همه چیزش حاضر و فقط مهیاست این کلام را حفظ کنید حالا که اعتقاد ما به این است هر کلمه‌ای که از زبان انسان در آید نوشته خواهد شد فردا باید حسابش را بدهیم و عقیده به این است دو صحیفه بیشتر نیست در یکی گناهان و در دیگری کارهای ثواب نوشته میشود هر حرفی که می‌زنی اگر به مصلحت اسلام است به مصلحت انقلاب است نصیحت بر مسلمانان است اقلأ اگر برای کسب حلال است مانعی ندارد اما این را بدان اگر حرفی که می‌زنی به خاطر اینها نباشد در صحیفه کارهای ثواب نوشته نمیشود اما صحیفه گناه در آنجا حاضر است پس اول برای مسلمان لازم است که حرفش را حساب بکند برادران و خواهران مطالب زنده و زنده کننده از اهل بیت عصمت و سلام الله علیه وارد شده دقت کنید ما اعتقاد داریم در قیامت باید هم حاضر باشیم آنجا می‌فرمایند: یک لیوان خون روی کسی می‌پاشند و می‌گویند این سهم توست که از خون فلان کس بناحق ریخته شده می‌گوید خدایا من که در قتل شرکت نکردم من که آدم نکشتم می‌گویند تو یک کلمه حرف زدی آن حرف بزرگ

غرب است شما را مسقاپا سرمایه‌داری غربی به مبارز دعوت میکرد و الهای جوانا، شما عزیزان ما هستید ما خیب شما را می‌خواهیم چطور شد آ رجوی که این همه سنگ مبارزه غرب به سینه‌اش می‌زد رفت آ هم به میتران صهیونیسم پناهند شد، در اینجا شما دو نتیجه میگیرید یکی این است که نتیجه منیت بدبختی است دومی این متوجه می‌شوید که اینها خیانت کار بودند نیرنگ باز بودند تم حرفهایشان برای خودشان بود والا اگر روی عقیده بود حاشا می‌شد در روی عقیده‌اش بمیر دیگر چرا به دشمنش پناهندا شود، بسا آخره خود بسینه نتیجه‌اش اینهاست و امیدوا انشاءالله خداوند تبارک و تعال هر تک ما را فقط به این کلمه که می‌خواهم تذکر بد، موفق دارد احمقی است که شا بگویند خوب خود بینی مح رضا- بنی صدر- رجوی به ما ربطی دارد، خود بینی می‌آی حتی به این حد که بیچاره فا زده بدبختی که در کوچه فق کسبش این است که کثافت کو را عذر می‌خواهم تمیز مکی بلکه یک پولی به دست آ رسول اکرم (ص) تشریف می‌آی السبته رسول اکرم (ص) ک خودش راضی نبود بعضی‌ها این فرد گوسفه که آقا بکش کنار پیامبر (ص) شود این یک ژستی به خود گرفت من، من بکشم کنار، مگر راه تنگ کرده ام؟ بعضی گفتند: از این حرکت د بکش این تکبر است این جب است. پس برادر من ممکن است بیچاره هائی که او باش هست جبار باشند احتکار کنند، من قیمت داده ام خاک بر سرت،

● خدا برای خودش واجب نموده هر کس هر معصیتی کرد علاوه بر عذاب آخرت در دنیا هم به بلای نظیر آن معصیت مبتلا سازد.  
● چطور شد آن رجوی (لعنت الله علیه) که این همه سنگ مبارزه با غرب به سینه‌اش می‌زد رفت آن هم به میتران صهیونیسم پناهنده شد.

این قیمت را گفته ام، من توانم نفروشم، من می‌خواهم دارم همه این من ها کفر آ نگاه کنید در مقابلش اخ اسلامی است (تکبیر نماز گزا اخلاق اسلامی این است دو بگویم خاتمه بدهم: در عین عظمت اسلام را حفظ میکنند در میان مسلمانان متواضع ما نگاه میکنیم رهبر عظیم انقلاب نماینده آمریکا را نمیکنند قبلاً خط میدهد که به ایران وارد نشود من قب نمی‌کنم اما در عین حال چ فرمایند، می‌فرمایند: به خدمتگذار بگویند بهتر است رهبر بگویند می‌فرمایند: من آن نوجوان ۱۳ ساله ای که نارنجک به کمر می‌بند اعلامیه شهدای ۱۷ شهریور

دهد بر فرض اگر این مسعود به او سلام میداد ولی کارش به جایی رسید که از این مسعود خواهش میکند نتیجه تکبر این است، چه خواهش میکند؟ آخرش این است این مسعود در جهت علتش میخواهد به جهنم بفرستد بپر، سرم در میان سرها کمی بلند دیده شود، مسلمانها بدانید بنی صدرها، کارتها از ابوجهل بدتر آن وقت این مسعود هم چکار میکند، کاری میکند که کسیکه از سرش هم گردنش باشد و در میان سرها یک کمی کوتاهتر باشد. آگاه باشید گول این بیگانه پرستان را نخورید همین شخص نبود که به شما می‌گفت دشمن خونخوار

کان عاقبه للمفسدین نگاه کن ببین اینها عاقبت کارهایشان بکجا رسید (تکبیر نماز گزاران). کان برادران و خواهران کمی زیادتر میفرمایند، کانه خدا برای خودش واجب نموده هر کس هر معصیتی کرد علاوه بر عذاب آخرت در دنیا به بلای نظیر آن معصیت مبتلا سازد مثلاً یک نگاه بکنید، دقت بکنید کسی که عمداً روزهاش را بخورد آن مبتلا میشود و موقع مردن از گرسنگی میمیرد بقدری گرسنه شود و چیزی هم نتواند بخورد نفوذ بالله با عداوت خدا از دنیا برود، به این محل شاهد توجه فرمائید یک آدمی که از روی منیت من بگوید، زیر بار حق نرود نتیجه‌اش این است که به ذلالت مبتلا شود چون بالا میخواهد باید جهنم برود در همین دنیا هم شما یک نگاه بکنید نگاه کنید محمد رضای معدوم منفور از جهت منیت آن هم کاملاً می‌شناخت رهبر انقلاب کیست و چه میگوید کاملاً می‌شناخت حتی در وقتی که در مجلس اقرار کرده بود که مرجع باید این خمینی باشد او از جهت منیت به نصیحتش گوش نداد نتیجه‌اش این شد به اینجا فرار کند به آنجا فرار کند پناهنده شود به سادات که نوکر حلقه بگوش آمریکا و اسرائیل است و در آخر زیر پای فرعون بخاک سپرده شود ذلت بالاتر از این چه میشود دیگر ابوجهل، به حدی رسید، ابوجهل که حاضر نبود به سلام این مسعود جواب

به آیه توجه فرمائید: و جحد بهاو استیقنتها انفسهم ظلما و علوا فانظر کیف كان عاقبه المفسدین الله اكبر، الله اكبر. قرآن نام آیتانش اعجاز و این از آیات عجیب است اینها یک گروه بوده اند که آیات الهی را انکار کرده اند نبوت رسول اکرم (ص) را انکار کردند نبوت انبیاء (ص) را در زمان خودشان انکار کردند اما: واستیقنتها انفسهم زیر بار نرفتند اما در نفسهایشان یقین داشتند یعنی بدانید ابوجهل پیامبر اکرم (ص) را از شما و ما بهتر می‌شناخت چنانچه می‌دانید بنی صدر امام را از شما و از ما بهتر می‌شناخت و جحد و بها انکار کردند آیات الهی را در حالیکه یقین داشتند اگر انسان به این حد برسد حتی انسانیت خودش را زیر پایش بگذارد بعد از یقین به آیات الهی باز هم انکار کند منشاء این چیست؟ منشاء اش، ظلما و علوا همان خود بینی است در عین حال یعنی اگر خود بینی نبود گفتیم که او جهل که رسول اکرم (ص) را از تو و من بهتر می‌شناخت بنی صدر که رهبر انقلاب را از من و تو بهتر می‌شناخت آیا زیر بار ترفتن ایها غیر از منیت و علو طلبی چیزی دیگر بود پس این نتیجه علو طلبی و خود بینی و تکبر و زیاده جستن این نتیجه‌اش است که انسان حقیقتاً انسانیتش را زیر پایش بگذارد اما نتیجه‌اش دیگر چه میشود: فانظر کیف

بدینوسیله از نمایندگان گیهای روزنامه جمهوری اسلامی در قم و تبریز که در آماده تهیه این ویژه‌نامه ما را یاری نمودند تشکر می‌نمائیم



گلهایمان را در میان مردم بکنیم و نتیجتاً آنها را به مقامات تحویل دهیم این را بدانند. مطلب دیگر میگویند بعضی از ادارات بقدری به اسلام خضوع نکرده اند که حتی نماز ظهر را حاضر نیستند به آنها برسانند که

باید وظایف اسلامی خود را عمل نمایند با این همه تشریفات مردم را معطل نمایند مجبور نکنند که ما دست به اقدام جهاد بزنیم افتخار ادارات به این است که به خلق خدمت کنند از بیت المال مسلمین میخورند باید به مسلمانها خدمت کنند اینقدر تشریفات نکنند و مردم را معطل نکنند و نگذارند که ما اسم بعضی از ادارات را ببریم و جرمهایشان را بشماریم تا خلق با همان چشمی که در زمان پهلوی به آنها نگاه می کردند. با همان چشم نگاه کنند (تکبیر نماز گزاران) انجمنهای اسلامی ادارات نیز موظفند اینها را به اخلاق دعوت کنند تا هر روز در نماز جماعت حاضر شوند اگر به نماز جماعت بهانه بیاورند و شرکت نکنند رسول اکرم (ص) فرموده آنهاست که با مسلمانان نماز نمی خوانند حق ندارند با مسلمانها هم خوراک بخورند هم مجلس شوند نتیجتاً ای کارمند اداری این را بدان که مسلمان وقتی موظف شد بساتوهم خوراک نشود در نتیجه ما هیچوقت نمی گذاریم تو در اداره اسلامی مانده و از آن اداره حقوق بگیری. (تکبیر نماز گزاران) این راهم بدانند که هیچکس حق ندارد از وسایل نقلیه ادارات استفاده کند و این ابلاغ است و اگر بعد از این یک اداری اگر دیده شود که از وسیله اداره استفاده شخصی میکند فوراً دستگیر شده و در هر مقام و هر شغلی که باشد برکنار و تحویل زندان خواهد شد.

میخواستند در گردنه شبلی تبریز تاراج نمایند پلیس راه رسیده و مانع شده ولی دزدان فرار کرده بودند ولی چون ۳ نفر پاسدار را شهید کرده بودند به همت

شما به خودتان ذلت و خواری بدست آوردید (تکبیر نماز گزاران) این آخرین جمله است که به شما میگویم ببینید مردم منتظرند چون امام



فرموده اند مقامات اقدام نمایند والا در هر جایی باشید در جاهای دیگر هم باشید در این تبریز مسلمانها مکرر می آیند و به ما میگویند که اجازه بدهید تا همه اینها را درب و داغون کنیم اگر به اهل تبریز اجازه داده شود در یک روز در هر سوراخ موشی که خزیده باشد جوانان با غیرت تبریز شما را به جهنم می فرستند (تکبیر نماز گزاران) البته از جانب شما هم لازم میبینم تشکر کنم از ژاندارمری و لاکن به عنوان الحمد لله علی غنا یا یعنی از این عمل ژاندارمری تشکر میکنیم ولی به این تسها قانع نیستیم در هفته پیش فهمیدید که یک اتوبوسی را که

طالقانی را به زبان نمی آورند مرحوم آقای طالقانی بروید و ببینید ضبط شده است در اجابت کرد و با عمل خویش گفت که ای شهدای ۱۷ شهریور راهتان ادامه دارد تبریز با شهادت بود تبریز بود که جهلم آنها را گرامی داشت و شهید داد و از شهید دادن مضایقه نکرد تا اینکه جاهای دیگرم هم همصدا شده و در نتیجه دودمان پهلوی را به زباله دان تاریخ سپردند این جمعیتها که توپ و تانک دودمان پهلوی را از دستشان گرفت و خودشان را هم به جهنم فرستاده و به بعضی هم دنیا را هم فرستادند از چند تا ترقه شما نمی ترسند غیر اینکه

سخنرانی روز دوم شهادت مرحوم مطهری که او کیست در آن موقع فرمود اگر اختلاف عقیده هست راه حل آن ترور نیست ترور وحشت می آورد ترور کارانسان نیست در نتیجه ترور استعمار مسلط می شود اینها می گویند مخالف استعمار هستند شما که به دروغ می گوید دشمن ما آمریکاست پس چرا با سلاح آمریکایی برادران مسلمان خوتان را می کشید پس بنا بر این روح مقدس آن مرحوم را اینقدر ناراحت نکنید و این را بدانید مسلمانها مردم مسلمان غیور ایران که در روز ۱۷ شهریور هزاران شهید دادند و با مشت محکم و با دست خالی و فقط با الله اکبر مقابل تانکها رفتند هیچگاه در مقابل ۵ نفر دزد خضوع نخواهند کرد اولین وعده خونهایی که ریخته شد و هزاران نفر شهید شدند و با تکبیر به مقابله بسا رژیم پهلوی رفتند تهرانیها بودند اما دومین جمعیتی که باز هم با دست خالی ولی با قلبی مملو از ایمان به آنها

می بینند ولی میدانند که وابسته نیستند اینقدر پدر طالقانی میگویند به روح آن بزرگوار بیش از این اذیت نکنند. آخر شما که میگویند پدر طالقانی پدر طالقانی پدر طالقانی آن بدبخت را که پناهنده به غرب شده (رجوی را میگویم) چطور به رهبری قبول میکنید در صورتی که مرحوم طالقانی دشمن خوبی فرانسو و استعمار گران بود، فرانسوای که حتی اکنون نیز دستهایش به خون

مسلمانان آزادخواه الجزایر آغشته است نزدیک به ۲ میلیون مسلمان الجزایری الله اکبر - الله اکبر ای جوان آگاه باش نزدیک به ۲ میلیون الجزایری به جرم اسلام و طلب استقلال توسط جلادان آمریکائی به شهادت رسیدند الله اکبر آن بدبختی که به چنین جلادانی پناهنده شود. آخر گفتند ما می شنیدیم آن لم یکن لکم دینکم فکون احرار فی دین اگر دین ندارید اقل از اباشید آخر یک بدبختی که به چنین جلادانی پناهنده

**● رهبر عظیم الشان انقلاب نماینده امریکا را قبول نمی کند قبلاً خط می دهد که اصلاً به ایران وارد نشود من قبول نمی کنم اما در عین حال می فرمایند: به من خدمت گزار بگوئید بهتر است که رهبر بگوئید.**  
**● مرحوم نواب صفوی رضوان الله علیه خاری بود در چشم محمدرضای خائن و بلکه در چشم انگلیس.**

مقدمه اش نوشته شود: کاش بینی میان شما کشته می شد. اما تربیت شده هایش مرحوم ائی، خدا در جانش را عالی بد میدانید به سازمان ملل رفت قلب امریکا آنروز کارتر رئیس ود از جانب کارتر یعنی تربیتها را ملاقات کرد حاضر د با کارتر ملاقات کند اما یک سجد مختصری که مال هپوستان بود در صف آنها به باز ایستاد. نتیجه اخلاق می اینها هستند آنوقت آن ی که ما ثمر ببریم چیست؟

نگاه کنید ببینیم که رهبر لایب و مرحوم رجائی و مرحوم شتی رضوان الله علیهم و صوم با هنر در تابع بودن به م و تواضع به چه مقامی میدند و ایشان بنی صدر و سوی در خود نمائی در مقابل م به چه بیچارگی هائی مبتلا ند مسلمان نباید از افعال نران عبرت بگیرد.

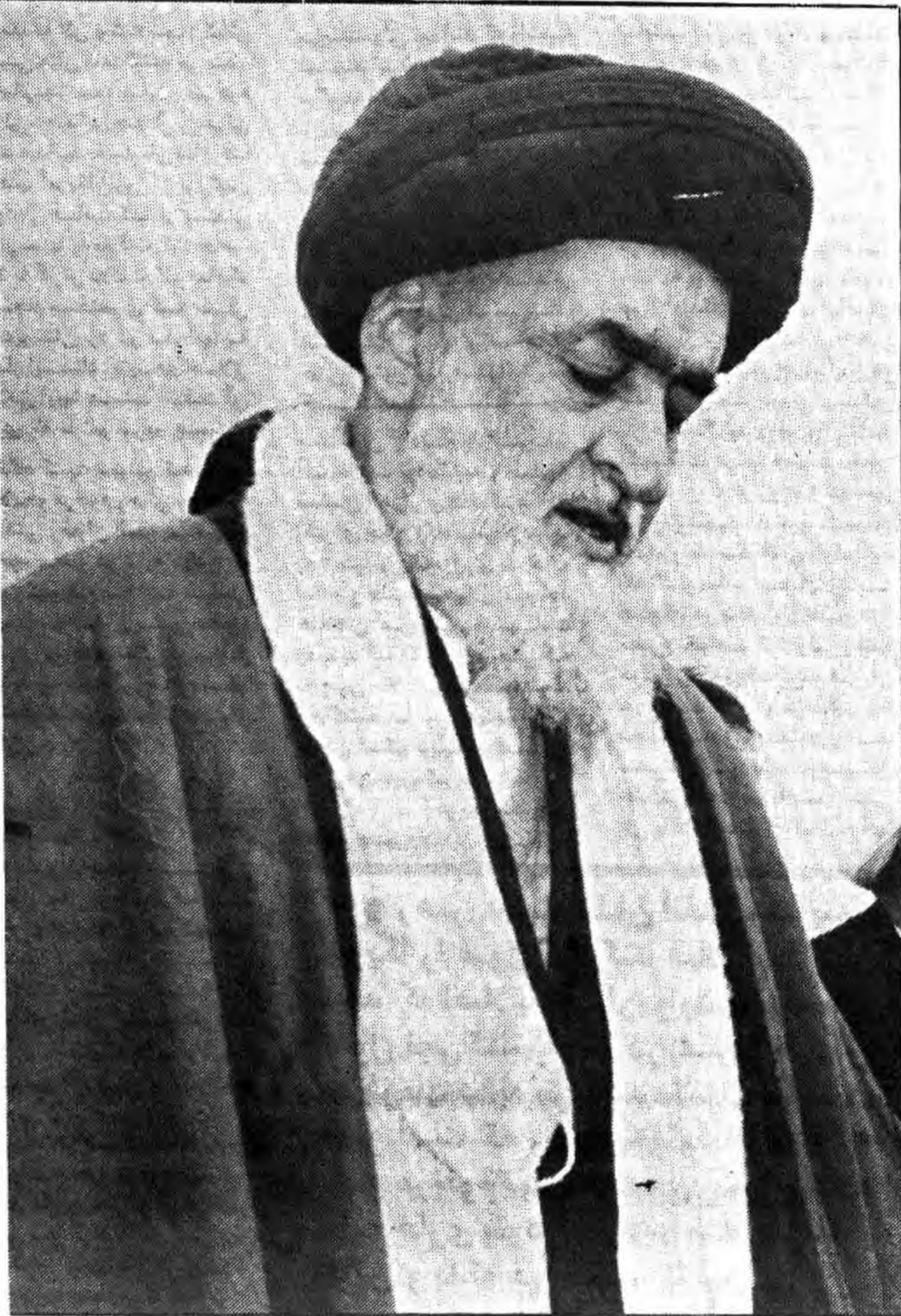
خطبه دوم  
بسم الله الرحمن الرحیم - با د و سلام به امامان عزیزان چند تن از مدارانمان در تبریز به دست ان و جنایتکاران به شهادت دند. در اینجا میخواهیم که بلاعات سپاه و اطلاعات ربانی کمی آگاهانه رفتار یند. مسئولین شهربانی - ثولین آگاهی ببینند والله یم آنچه میخورید حرام ورید حرام میخورید چرا این سکوت چرا در ایام پهلوی - ی ملعون یک امر جزئی اگر ق می افتاد شما شب و روز تید - خجالت بکشید. والا یوریم هفته آینده مطالب را دم در میان بگذاریم (تکبیر گزاران) مطلب دیگر - شاهد ن سالگرد مرحوم آیت الله انی که با یاد آن بزرگوار حریجه دار می شوند مردی لا ۴۰ سال از عمر خودش را بارزه با استعمار گذراند. آه مه، فقط یک دفعه به ۱۰ زندان محکوم شد جرمهایش بود؟ از جمله جرمهایی که گاه طاغوت برای او مارد این بود که چرا مرحوم صفوی در خانه تو بوده مرحوم صفوی رضوان الله علیه که بود در چشم محمدرضای و بلکه در چشم انگلیس به ل یک چنین مرد با عظمتی تا آخرین لحظه عمرش ممار مخالفت کرد و عقیده راین است که امروز عصر سالم بود ولی گاهی که ت می کردیم در دشت را دیم این ترقه به قدری به رنج می داد که گاهی وقتی ت از ترقه میان مسلمانان شاید گلوی ایشان فشرده عقیده من بر این است که سی بگویند ایشان غصه ندهاند مبالغه نکرده است حال ما که در سالگرد این ز تجلیل کردیم باید متوجه از چه جهت ایشان را کردیم از جهت مبارزه با استعمار گران غرب و رمود اسلام باید وابسته مسلمان باید وابسته نباشد بلکه تکیه مسلمان بر قدرتی وق تمام قدرتها و آن است از قدرت الله باز هم نا دارد که نصیحت کنم به که خودشان را وابسته

می شود به رهبری قبول کردن والله ننگ است چرا به آغوش اسلام باز نمی گردید. آغوش پر مهر و محبت اسلام که خطاب می کند یا عبادی الذین اسرفوا علی انفسهم لا تقنطوا من رحمة الله ای آن بندگان الله که اسراف کرده و معصیت کرده اید ما یوس نشوید و باز گردید به طرف قرآن چرا آغوش قرآن و پیامبر را می گذارید و به چنین منافقی پناهنده می شوید. اما مطلب دیگری که باز هم ای مردم اگر واقعاً به آن مرحوم علاقه مندید بخصوص آنها این سخن را بشنوند و بعد از این اگر انسان باشد یا به آغوش اسلام بازمی گردند و یا اسم مرحوم

# شهید مدنی

## معلم

## اخلاق



بسمه تعالی

قم- خبرنگار جمهوری اسلامی  
بمناسبت سالگرد اولین شهید  
محراب، آیتالله مدنی نماینده  
امام و امام جمعه تبریز مصاحبهای  
با آقای آیتالله راستی کاشانی  
یکی از اعضای جامعه مدرسین  
حوزه علمیه قم که از نزدیک  
سالیان زیادی با ایشان معاشرت  
نموده‌اند و پی به احوالات این  
شهید بزرگوار برده‌اند انجام  
داده‌ایم تا گامی در راه معرفی  
احوال و ناشناخته این شهید  
عزیز باشد.

س: ۱- در مورد شخصیت  
علمی و اخلاقی شهید آیتالله  
مدنی توضیحاتی بفرمائید؟

بسمالله الرحمن الرحیم  
بعد از تشکر از روزنامه حزب  
جمهوری اسلامی که سعی در  
معرفی این چنین اشخاصی  
می‌نماید. به حق باید گفت که  
توجه به شخصیت اینگونه افراد  
که تمام عمرشان را در خدمت به  
اسلام و مردم صرف کرده‌اند، هم  
قدردانی از مقام علمی و معنوی  
این افراد است و هم زمینه  
آموزنده‌ای برای افرادی که حالات  
این بزرگوارها را خیردار  
میشوند. واقعاً اینها الگوهای  
هستند که افراد جامعه ما باید از  
اینها سرمشق بگیرند، و در تمام  
روش و رفتار از حرکات و سکنات  
اینها استفاده کنند. و اما در رابطه  
با سؤال باید عرض کنم که  
شهید آیتالله مدنی از  
جهات علمی از وقتی که من  
در نجف اشرف ...

ایشان تماس حاصل کردم و از  
آنجا نسبت به ایشان ارادت پیدا  
کردم همه نشو و نمای علمی  
ایشان را از نزدیک ندیدم و آنچه  
که تکه تکه آیتالله از جلسات و  
برخوردها فهمیدم این بود که  
درس خارج را در قم، از آقایان  
حجت و حاج محمد تقی  
خوانساری و در نجف هم از  
مرحوم سید ابوالحسن اصفهانی و  
مرحوم شیخ کاظم شیرازی و  
علماء و مراجع آن عصر استفاده  
کردند.

و آن موقع که ما خدمتشان  
رسیده بودیم مراحل اجتهاد را  
طی کرده و مشغول تدریس  
دروس مختلف بودند، به گونه‌ای  
که تمام وقتشان را صرف  
درسهای متعدد در سطوح مختلف  
میکردند. و از درس ایشان  
جمعیت زیادی استفاده  
می‌نمودند طوری که در نجف از

همه درسه‌ها، درس ایشان پر  
جمعیت‌تر بود و تلامذ ایشان با  
یک عشق و علاقه‌ای خاص در  
درس ایشان شرکت میکردند و از  
حوزه‌های درسی ایشان بهره مند  
میشدند و از جهات اخلاقی  
ایشان نه فقط جلسات بحث  
اخلاقی داشتند و آقایان طلاب و  
یا احیاناً غیر طلاب دینی استفاده  
میکردند بلکه اصلاً مشی عملی  
ایشان در زندگی، خانه، اجتماع  
و در جلسات بحث آموزنده بود.  
و افرادی که با ایشان در تماس  
بودند آنها را تربیت میکرد و در  
حقیقت باید گفت شهید آیت الله  
مدنی یک مربی عملی اخلاق در  
حوزه علمیه نجف بودند.  
جلساتی که ایشان داشت  
آقایان اهل علم در سطوح مختلف

از جهات اخلاقی دارای  
خصوصیتی بود که خلوتش و  
اجتماعش با هم فرقی نداشت  
در جلسات خصوصی و عمومی  
یکسان دیده میشد. اعتنا به امور  
مادی نداشت و کیفیت رفتار  
جویری بود که علاقه‌مندان را  
نسبت به اهتمام امور دنیا  
بی‌علاقه میکرد و بیشتر شوق و  
ذوق علم و عمل و پیمودن راه  
تهذیب و تزکیه را در آنها ایجاد  
میکرد من در یک جمله  
خصوصیات معنوی و اخلاقی  
ایشان را خلاصه کنم، کسانی که  
با ایشان در ارتباط زیاد بودند  
اینها در رفتارشان مشخص بود  
که از دوستان و علاقه‌مندان او  
بودند. به ملاحظه روح تربیتی که  
از این بزرگوار اثر میگذاشت

● از درس ایشان جمعیت زیادی  
استفاده می‌کردند بطوریکه در نجف از  
همه درسه‌ها درس ایشان پر جمعیت‌تر  
بود.

● ایشان نه فقط جلسات بحث اخلاقی  
داشتند و آقایان طلاب و یا احیاناً  
غیر طلاب دینی استفاده می‌کردند  
بلکه اصلاً مشی عملی ایشان  
در زندگی، خانه، اجتماع و در جلسات  
بحث آموزنده بود

● گاهی کسانی که حتی از جهات  
علمی مقام بسیار عالی داشتند و حتی  
گاهی بعضی مراجع هم در جلسات  
بحث ایشان شرکت می‌کردند.

● از جهات اخلاقی دارای خصوصیتی  
بود که خلوتش و اجتماعش با هم فرقی  
نداشت

دروغ رفتار و برنامه‌های  
زندگیشان تعاونی پیدا میشد و  
افراد از نحوه حرکات و سکنات  
ایشان استفاده میکردند.  
س: ۲- موقعیت ایشان در  
حوزه‌های علمیه چگونه بود.  
ج: همانگونه که اشاره‌اش در  
جواب سؤال اول ذکر شد.  
ایشان در حوزه‌های علمیه نقش  
بسیار مهمی در دو جهت علم و  
عمل نسبت به تربیت افسراد و  
آقایان طلاب و محصلین علوم  
ایشان بهر مند می‌شدند.

دینیه داشتند. از جهت علمی  
ایشان درسه‌های متعددی در  
سطوح مختلف داشته و شاید  
بتوان گفت درسهائیکه ایشان  
میگفتند نوع کسانی که در آن حد  
از درسه‌ها بودند حتی‌المقدور  
سعی میکردند در درس ایشان  
شرکت کنند و از اصل مطالب  
و نحوه القاء مطالب و چگونگی  
برخورد با شاگردان استفاده  
کنند و خیلی نسبت به طلاب  
دلسوز بوده و سعی میکردند.

مشکلات زندگی آنها را رفع  
نمایند. تا آنجائیکه وقت داشتند  
و جمعی می‌آمدند خدمتشان تا  
درس تازه‌ای شروع نمایند. ایشان  
در حد توانش مضایقه نمی‌کردند  
به گونه‌ای که به اندازه‌ای درس  
ایشان زیاد شده بود که شاید  
در روز هشت تا درس  
می‌فرمودند. و کاملاً نسبت به  
پروراندن طلاب کمال جدیت  
داشتند و اگر اشکالی برای طلاب  
پدید می‌آمد کاملاً گوش میکرد

و جواب کافی به آنها می‌داد  
ناحیه جهات علمی هم همین  
که ایشان از آن جهت که ف  
کاملاً ساخته شده بود و ل  
غیر از جلسات اخلاقی ک  
داشتند، بسیار نقش سازند  
در معنویات و روحیات آقا  
طلاب داشت در ت  
و معاشرتهائی که با افراد می  
دائماً تذکر میداد و ا  
وراهنمائی میکرد و افسرا  
ناحیه تهذیب و تزکیه و اهت  
آنجهاتی که یک روحانی  
کمال باید رعایت کنند ه  
می‌نمود و با رفتار و روش  
میکرد.

س: ۳- نقش ایشان  
جریان مبارزات و خشنی ک  
توطئه‌ها و خطوط انج  
خصوصاً در رابطه با موا  
ایشان در آذربایجان و  
نماز جمعه تبریز چگونه  
ج: من به نظرم میرسد  
مبارزات ایشان را به دو ق  
بکنیم یک قسمت مبارزات ا  
قبل از انقلاب و یک ق  
بعد از انقلاب خصوصاً  
آذربایجان که پدید آمد.

در قبل از انقلاب این  
همان ایام اوائل تحصیله  
در سفرهای تبلیغی که به ج  
مختلف میرفتند مردم را ند  
مفساد رژیم گذشته آشد  
میکردند و هوشیاری به  
می‌دادند و شاید بشود گ  
ایشان از جمله کسانی اس  
در به ثمر رساندن انقلاب  
کردن و حرکت مردم  
رهبرهای امام امت ادام ال

ی علی رؤس المسلمین نقش ی داشتند، گاهی خود ایشان ز میکردند که در بسیاری از ستانها که رفت و آمد داشتیم ی را ساختیم بسیار محکم اده و مهیا برای مبارزه با ات و مفاسد و مبارزه با رژیم شته، ایشان قصایای در نان و آذر شهر داشتند و در آباد که مردم آنجا تقاضا ه و ایشان را برای اداره امور جا برده بودند مبارزات ن انجام دادند که منجر به بد ایشان شد. ایشان را به ی مختلفی تمهید کردند و بامی که در نورآباد مستنی بودند ما به زیارتشان رفتیم نجا باز جلساتی داشتند دمرا بیدار میکردند و یک هیجان در آن منطقه ایجاد بود به طوریکه از کازرون و از جوانب دیگر مرتب بیتهای زیادی رفت و آمد مودند و از رهنمودهای ن استفاده میکردند و یک ت و تحولی در مردم آنجا به د آورده بود که دستگاه است زمینه آزادی ایشان را م آورد. ولی سعی میکرد که ن بزرگوار تقاضای ن کرده و یا کسی برای شان تقاضای آزادی ولی ایشان گفته بودند که رژیم را بر رسمیت نمی شناسم قاضی آزادی کنیم و راضی م کسی هم برای من تقاضای ن بکند.

شان در مبارزاتی با رژیم در ما بود آثار روش و علمی و از جمله مبارزات ایشان با ط انحرافی در رژیم گذشته از بین بردن کسروی بود. لیه شهید مدنی وقتی که در نجف بود اسباب حرکت م نواب صفوی به ایران شد هید آیت... مدنی مقداری م میفرمود و پولش را در نواب قرار میدهد که بیاید ن و جلوی این فرد فاسدی شت با اعتقادات مردم بازی را بگیرد. من یادم هست ای را که ایشان تهیه کرده پول کتابهایی بود که آیت... مدنی داده بودند نرد که بعد مسئله فدائیان پدید آمد.

بد از انقلاب ایشان در بودند و امور آنجا را اداره دند و از سوی امام به نگی و امامت جمعه آنجا ب شده بودند تا ترور شهید جناب آقای قاضی... علیه پیش آمد و تی که ضد انقلاب از جمله سلمان میکردند امام را به نمایندگی استان تان و امامت جمعه تبریز کرد. از آن به بعد وضع در آذربایجان پیدا شد. با رفتاری که این شهید عزیز تقریباً میشود گفت که لاب و بخصوص حزب سلمان دیگر نمیتوانست با لای مدنی نقش بارزی اشد. بلکه ایشان بواسطه فعالیتهایی که در آنجا آند و بیداری که به مردم ن دادند و در خطبههای عه مسائلی را که مطرح ز یک طرف و همگامی و ن حجت الاسلام سید وسوی تبریزی نیز که در کس دادگاه انقلاب تبریز از جهات رسیدگی به

وضع انقلاب با آن قاطعیتی که داشتند از طرف دیگر در حقیقت وضع آذربایجان را دگرگون کرد بگونهای که دیگر جایی برای رشد ضد انقلاب باقی نماند و باید گفت مرحوم شهید آیت... مدنی نقش بسیار مهمی در تثبیت انقلاب و حکومت اسلامی در آذربایجان داشتند.

س-۴- رابطه ایشان با امام در جریان مبارزات به چه صورت بود؟

جواب: مرحوم شهید آیت... مدنی نسبت به امام میشود تعبیر کرد فدایی وفانی در امام بود. واز اولی که مبارزه روحانیت برهبری امام شروع شد. ایشان در نجف حرکتی بمعوان پشتیبانی این نهضت شروع کرد.

بطوریکه مدتی درسا تعطیل بود و جلسات متعددی بمعوان حمایت از امام و نهضت ایران بمعوان مجالس فاتحه برای شهدا در تمام مدارس علمیه و بعضی مساجد برگزار شد. ایشان همچنان به مبارزاتش ادامه داد تا اینکه امام از ترکیه به نجف اشرف مسافرت کردند، ایشان در آنجا همیشه در نماز جماعت امام شرکت میکردند و به مناسبتهای مختلف خدمت امام شرفیاب میشدند و از ایشان رهنمودهایی میگرفتند. با تمام وجود در مقام اطاعت و عمل کردن دستورات امام بود و در تمام مراحل قدم به قدم از حرکت امام و رهنمودهای امام پیروی میکردند و اعتماد امام به مرحوم آیت... مدنی بگونهای بود که در جلسات خصوصی که در مواقع حساسی تشکیل میشد از ایشان دعوت میکردند مثلاً من مکرر یادم هست با اینکه امام بنا نداشت مقامات عراق را بپذیرد و حتی المقدور سعی میکرد اجازه ندهد لاکن گاهی لازم میشد

و اجازه میدادند امام دعوت میکرد از چند نفر افراد معتمد و مورد وثوقشان که در نجف موقعیتی خاصی داشتند تا نتوانند سیاسی کار کنند و مسائلی را برای سوءاستفاده به امام نسبت دهد. که از آن جمله مرحوم آیت... مدنی و بعضی آقایان علمای مورد وثوق عرب بودند و هیچگاه نشد تا اینکه مقامات عراق مکرر تقاضای ملاقات خلوت میکردند امام بپذیرد. لذا ایشان بسیار مورد اعتماد امام بودند و امور حساسی که پیش میآمد امام به ایشان واگذار میکرد.

س-۵- سوابق و خاطرات آموزندهای که از این شهید عزیز دارید بیان فرمائید.

ج: مرحوم شهید آیت... کسانی که با ایشان مربوط بودند و حتی دکترها را حیات ایشان مایوس شده بودند و ایشان در حقیقت با آن روحیه توسلی که داشت حالتش خوب شد و درس را شروع کرد در عبادت ایشان یک حالت خاصی داشتند. کسانی که حالت عبادت ایشان را میدیدند لذت میبردند از عبادت حالت دعا داشتند و حالت دعای ایشان حالتی بود که نوعاً جلسات دعایی که برگزار میشد سعی میکردند از وجود ایشان در آن جلسات استفاده نمایند. با ایحال ایشان خائف بودند. نکند ما از جهت نیت آن خلوصی که باید در اعمالمان داشته باشیم نداشته باشیم، از جمله خصوصیتی که ایشان داشت و من فراموش نمیکم

کسانی که با ایشان مربوط بودند و حتی دکترها را حیات ایشان مایوس شده بودند و ایشان در حقیقت با آن روحیه توسلی که داشت حالتش خوب شد و درس را شروع کرد در عبادت ایشان یک حالت خاصی داشتند. کسانی که حالت عبادت ایشان را میدیدند لذت میبردند از عبادت حالت دعا داشتند و حالت دعای ایشان حالتی بود که نوعاً جلسات دعایی که برگزار میشد سعی میکردند از وجود ایشان در آن جلسات استفاده نمایند. با ایحال ایشان خائف بودند. نکند ما از جهت نیت آن خلوصی که باید در اعمالمان داشته باشیم نداشته باشیم، از جمله خصوصیتی که ایشان داشت و من فراموش نمیکم



وقتی که آیت... العظمی بروردی بنا شد شهریهای به آقایان طلاب حوزه علمیه نجف بدهند تصمیم بر این بود امتحانی انجام مدهم... و آیت الله مدنی از ممنحنین بود و کیفیت امتحان ایشان بگونهای بود که هیچ کس ناراحتی از امتحان پیدا نمیکرد و در عین حال خصوصیت وضع علمی و تحصیلی افراد مشخص میشد، بگونهای که افرادی که به حسب طبع مایل بودند به امتحان و میآمدند و کسانی که یک مقدار برایشان مشکل بود به هر مناسبتی و موقعی با آنها تماس میگرفت و از وضعیت درسی آنها مطلع میگشت مثلاً میرفت منزلشان بعنوان دیدن بعد یک مسئله علمی را بعنوان بحث پیش میکشید که در ضمن این مطالب موقعیت علمی و تحصیلی فرد مشخص شود و کاملاً رعایت افراد هم میشد و بسیاری از فضلا را به همین گونه وزنه علمی آنها را بدست آورد.

س: در این رابطه اگر سخن و پیامی دارید بفرمائید:

ج: دو جمله پیام در این رابطه بعنوان یک فرد علاقمند به اسلام و انقلاب و روحانیت میتوانم عرض کنم یکی نسبت به حوزههای علمیه و دیگر به مردم مسلمان خصوصاً مردم آذربایجان اما به حوزه علمیه عبارت است از اینکه آنچه که من در طول معاشرت با شهید بزرگوار آیتالله مدنی داشتم بدستم آمد اگر تحصیل علم با عمل توأم باشد آثار بسیار زیادی در جامعه پیدا میکند که از جهات علمی به مراحل رسیده بودند اما چون از جهات معنوی و عملی آنجوری که مورد توقع بود نبودند از وجودشان استفاده آنطور که باید بشود نشد و احیاناً کسانی اهل عمل هستند و جدیت در کسب معنویات دارند اما چون از ناحیه علمی ضعف دارند چه بسا میتوانند کارهای بزرگتری انجام دهند از آنها محروم ماندند و یا احیاناً بواسطه ضعف علمی و شاخت در انحراف قرار گرفتند. اگر آقایان اهل علم بخواهند واقعا وجودشان منشاء اثر در جامعه اسلامی باشد و حداکثر استفاده را از عمر شریف بکنند باید آن ایامی را که در حوزههای علمیه هستند در دو جهت علم و عمل و خود سازی کوشش کنند تا عالمی با عمل بشوند. چون اینکه نجات بخش انسانها است معارف

اسلامی است و معارف اسلامی را باید با کوشش و زحمت تحصیل کرد. و از لحاظ عملی باید خود را بسازند همانگونه که آیتالله مدنی خودش را ساخته بود تا هر فردی از افراد که در حوزههای علمیه تحصیل میکنند یک مثال از آیت اله مدنی باشند تا آن اندازه عمرشان پربرکت باشد.

و اما سخنی با مردم بخصوص مردم آذربایجان اینست که این افراد ارزنده علمائیکه در راه خدمت به اسلام و انقلاب از همه چیزشان گذشتند و از هیچ گونه فداکاری مضایفه نکردند برای اینکه مردم را از هر گونه انحراف دور نگاهدارند و به صراط مستقیم الهی برسانند فراموشمان نشوند و نسبت به این نعمت عظمای الهی که خداوند به ما ارزانی داشته است و آن وجود پر برکت امام امت و رهنمودات این بزرگوار است تشکر و قدرانی کنیم و شکر خدا به این است که هر چه بیشتر و بهتر دستورات این بزرگوار را بکار بندیم و همیشه از پروردگار صحت و سلامتی این بزرگوار را مسئلت کنیم و سایه برکتش را تا زمان ظهور حضرت ولی عصر (عج) از درگاه حضرت حق برای جامعه اسلامی و مستضعفین جهان مسئلت نماییم. و بعد از نمازها و در مواقع استجاب دعا دوام عمر و صحت و سلامتی این بزرگوار را از درگاه حضرت حق تعالی بخواهیم.

## شهید مدنی، ولایت فقیه را در اعمال و اخلاق و عقائد خود پیاده کرده بود

روحانیون در خدمت ایشان بودیم در دل شب راز و نیاز عجیبی داشت. بعد از اقامه نماز شب قرائت آیاتی از قرآن قطرات اشک چشمش از عشق به خدا سرازیر بود در همین حال با ایشان در مورد منطقه و کشور عراق صحبتها و طرحهایی در مورد غرب کشور و شمال عراق و آزادی زندانیان از زندان دولتو کشیده شد...

شهید محراب آیت... مدنی در مسأله توسطه حزب خلق مسلمان برای تصرف رادیو و تلویزیون تبریز با امام جمعه قم و مراغه و بایاننده مذاکراتی انجام دادند و بنده جادهای میان دو آب و مهاباد و نقده و خوی و سلماس را مسدود کرده تا محموله بمبها که شامل ۲۲۰۰ قبضه اسلحههای سبک و دوربیندار آلمانی و ۲۲ قبضه آر بی جی ۷ با ۲ برابر بار مینا و یک میلیون دینار عراقی بود توسط کوموله و دمکرات به تبریز نرسد. این قسمتی از خاطرات من از شهید مدنی می باشد.

س-۳- شهید مدنی چه نقشی در منطقه داشتند؟ ج- وجود ایشان برای منطقه برکتی بود و رحمت آسمانی بر قلوب مؤمنین و تکیه گاه ایمان و خط دهنده ولایت فقیه بود. ولایت فقیه را ایشان در اعمال و اخلاق و عقاید خود پیاده کرده بود و هر بیننده و فکر کننده را مجذوب خودش می کرد.

متن مصاحبه با حجة الاسلام غلامرضا حسنی نماینده امام و امام جمعه ارومیه پیرامون شخصیت مرحوم شهید حاج سید اسدالله... مدنی رضوان الله تعالی علیه

س-۱- از نظر شما بارزترین خصوصیات شهید مدنی چه بود؟

ج- شهید حاج سید اسدالله... مدنی یک فرد فقیه و متکلم و فیلسوف اسلام شناس و معتقد به ولایت مطلق فقیه و مؤمن به انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی و یکی از گردانندگان انقلاب عظیم اسلامی بود. بنده از داماد ایشان شنیدم در حق ایشان و اخلاص ایشان به امام خمینی اظهار داشت مادامی که حضرت امام در حال حیات است من (مدنی) خجالت می کشم رساله عملیه بنویسم.

س-۲- از شهید محراب چه خاطراتی دارید؟

ج- شهید مدنی در بهمن ماه سال ۵۹ به ارومیه تشریف آورده بودند و در منزل یکی از



# شهید مدنی به لباس پاسداری افتخار می کرد

● شهید مدنی فعالیتهايش در قبل از پیروزی انقلاب برای افرادی که در متن انقلاب بودند روشن است

● گاه و بیگاه با آن کثرت مسئولیت به جبهه های جنگ تشریف می بردند و برادران رزمنده جلساتی داشتند آنها را تشویق می کرد و لباس سربازی و پاسداری را به تن مبارکش می پوشید و به آن لباس افتخار می کرد.

ایشان در زمانی به تبریز آمدند که شهید قاضی طباطبائی در تبریز شهید شدند و با همه آن اختلافی که در تبریز بود مخصوصاً موضوع خلق مسلمان ایشان با چنان نیروی خلاقیت و مدیریت بسیار آرام و متین و منطقی با آنها رفتار کرد و اعمال آنها را در تمام توطئه ها خنثی کرد مخصوصاً آن وقتی که خلق مسلمان صدا و سیماي جمهوری اسلامی مرکز تبریز را اشغال کرد ایشان با منطق و آرامش اما با قاطعیت تمام توانست خلق مسلمان را از صحنه تبریز و آذربایجان برکنار کرده و رادیو و تلویزیون را از دست آنها خارج کند.

ایشان خیلی ارادت به خاندان نبوت و امامت و ولایت داشتند مخصوصاً ولایت فقیه که جانشین حضرات معصومین و ائمه اطهار علیهم السلام باشد.

● چنان به امام عشق می ورزیدند که ما غبطه می خوردیم

تابع مولای متقیان و تابع معصومین علیهما سلا سیره حضرت ره پیدامیشوند. ایشان یه خاصی به پاسدارهای داشتند و تلاش می کر اینها را همیشه مورد تقدیر خودشان قرار بدهند عاطفه برای این برادران از خود نشان می دادند خلاصه ای از خصی خا طرات من از ایشان ب

می شدیم همیشه که به حضورش شرفیاب می شدیم اکثرأ حرفهای ایشان ارشاد کننده بود رهنمودهای ایشان همانند مطالب قرآن مجید و اخبار آل محمد سفارش به تقوا بود. وقتی که ما به منزلش نگاه می کردیم بسیار ساده مثل خانه رهبر انقلاب بود وقتی عمل کرد و رفتارش را نگاه می کردیم می دیدیم که الحمدا... در دنیا امروز افرادی پیدامی شوند که

ما هم به پای ایشان برسیم. ۳- اگر خاطره ای از ایشان دارید بیان فرمائید؟ ج- از آن روزی که حضرت آیتا... مدنی امام جمعه و نماینده امام در تبریز بودند ما مکرر به منزل ایشان و به حضور ایشان شرفیاب می شدیم و از نظر معمولی از ایشان بهره مند

حضرت آیتا... العظمی امام خمینی وجود مجسم ولایت فقیه است و چنان به امام عشق می ورزیدند که ما غبطه می خوردیم که کاش ما هم می توانستیم همچو ولایت فقیه ای که این عالم ربانی نسبت به ولایت امر و ولایت فقیه داشتند

انقلابی همکاری بسیار نزدیکی داشتند و گاه و بیگاه با آن کثرت مسئولیت به جبهه های جنگ تشریف می بردند و برادران رزمنده جلساتی داشتند آنها را تشویق می کرد و لباس سربازی و پاسداری را به تن مبارکش می پوشید و به آن لباس افتخار می کرد.

ایشان در زمانی به تبریز آمدند که شهید قاضی طباطبائی در تبریز شهید شدند و با همه آن اختلافی که در تبریز بود مخصوصاً موضوع خلق مسلمان ایشان با چنان نیروی خلاقیت و مدیریت بسیار آرام و متین و منطقی با آنها رفتار کرد و اعمال آنها را در تمام توطئه ها خنثی کرد مخصوصاً آن وقتی که خلق مسلمان صدا و سیماي جمهوری اسلامی مرکز تبریز را اشغال کرد ایشان با منطق و آرامش اما با قاطعیت تمام توانست خلق مسلمان را از صحنه تبریز و آذربایجان برکنار کرده و رادیو و تلویزیون را از دست آنها خارج کند.

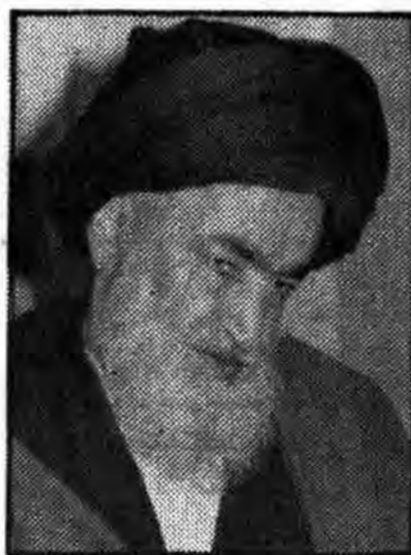
ایشان خیلی ارادت به خاندان نبوت و امامت و ولایت داشتند مخصوصاً ولایت فقیه که جانشین حضرات معصومین و ائمه اطهار علیهم السلام باشد. مخصوصاً که در انقلاب ما ولایت

متن مصاحبه با حجج الاسلام حججی امام جمعه محترم شهرستان میانه در مورد خصوصیات و شخصیت مرحوم شهید مدنی رضوان... علیه

س ۱- لطفاً در مورد فعالیتهای مرحوم شهید مدنی در قبل از پیروزی انقلاب توضیح فرمائید.

ج- آیه... شهید مدنی فعالیتهايش در قبل از پیروزی انقلاب برای افرادی که در متن انقلاب بودند روشن و آشکار است و مخالفت ایشان با رژیم منحوس پهلوی در سطح کشور مشهود و معلوم بود و ایشان با آنچه در توان داشت از نظر مخالفت علنی و آشکار با رژیم طاغوتی مبارزه کرده است و تمام ناراحتیها را برای رضامندی حق تعالی بر خود هموار کرده بود و ترسی و یا واهمهای از تبعید و شکنجه و اذیت و آزار نداشت و با تمام نیرو و قدرت به مبارزات خودش بر علیه استبداد و دیکتاتوری ادامه می دادند. پس از پیروزی انقلاب هم از نظر تبلیقات و تداوم انقلاب چه در تبریز و چه در جاهای دیگر فعالیت ایشان چشمگیر بود مخصوصاً فعالیت ایشان در این بود که تلاش می کرد افراد را ارشاد و هدایت کند و با ارگانهای

## بشنو از نی چون حکایت می کند



آیتا... امینی رضوان! ایشان می فرمودند نه شی لوعده و اتبع شی فم به هر حال حدیث را خا که فرمود دیدم بشدت کرد و عرض می ک لاتسلبنی صالح ما انعم الیهی لاتردنی فی سوا منه ابدا و... الیهی لات نفسی توفه عینا ابدا فرمود:

مرا گریه گرفت رس فرمود چرا گریه می ک کردم یا رسول الله شما می گوید الیهی لاتسلم ما انعمت به علی اب هستید که می گوید لاتردنی فی سوا است منه ابدا شما می گوید عظمتتان الیهی لاتک نفسی تره عینا ابا گریه کرد فرمود چه یونس بن متی در یک زدن

خود واگذار شد مبتلا شد، من اگر عرایبه نداشت خیلی معذرت از خدای توانا جله ع خواهم که این سمینار خیر قرار داده و اول خودمان شروع نموده ما مجتمع اسلامی آ حقیقی اسلامی را راستی اگر تدریجا اسلامی را پیاده کنیم عالمگیر خواهد شد. به برسیم انشاءالله والسلا رحمنا الله و ب

شبی که رسول اکرم حمله من تشریف داشتند، یک وقت بیدار شدم دیدم رسول اکرم در بستر خود نیستند بلند شدم این گوشه و آن گوشه صدای ناله شنیدم متوجه شدم در یک گوشه ای سول اکرم افتاده بسجده و بشدت گریه می کنه، عرض می کند. الیهی لاتسلبنی صالح ما انعمت به علی ابدا، الیهی لاتردنی فی سوا استمنقرتنی منه ابدا، آن بدیهایی که ما خیال می کنیم گرفتار طاغوت و دشمن بودیم از آنها نجاتمان داده است اما اگر خدای ناکرده گرفتار طاغوت نفس بودیم گرفتار طاغوت هوی بودیم باید فکر کنیم ببینیم از این طاغوت چطور نجات پیدا کردیم یا نه، برادران بنده که یک مقدار نسبت به خودم عرض می کنم شماها منزهاید نفس اینجوری است چون گمان کرده ایم که در نماز جمعه امام باید قصد امامت بکنند. خیلی ها خیال می کنند که من وسوسه دارم نیتم مثلاً طول می کشد مقدار زیادی با خودم ورمی روم که خدایا من چه کنم نسبت به گذشته هایم اگر عفو نکنی من با این نامه سیاه چطور قصد امامت بکنم، شاید وعده هایی به خودم بدهم که بعد از این درست خواهم شد ولی گاهی به خاطر می آورم فرمایشی از مرحوم

قرار گرفتند. وقتی نماز می رفتند نیم ساعت قبل از نماز خلوت می کردند، به حسابهایش می رسید، چه نحوه می روم، چه نحوه تحمل بار مردم را می کنم ما هم خوب است روزهای جمعه علاوه بر تذکراتی که داده شد علیکم باعزاً الانفس علیکم نسبت به اعز انفس بر خودمان که خودمان هستیم یک مقدار فکر بکنیم که آیا این نماز جمعهای که ما می رویم و حرفهایی که ما می زنیم آیا ما را به خدا نزدیک می کند، یا خدای ناکرده نماز جمعهای است که خیلی ها خوانده اند. با کمال معذرت با یک حدیث فقط از جانب ام سلمه عرایضم را خاتمه می دهم خط برای ما و شما بنده که نه پالینتر از آن هستیم، خیلی پالینتر از آنکه خودم را حساب کنیم. این محذرام المؤمنین فرمودند همه

دیگر امتیازی با افلان سیاستمداری که فقط و فقط در راه سیاستهاست و کاری بآدین ندارد فرقی پیدانمی کنم بلکه بالاتر و بدتر می شوم به جهت اینکه او همه کارهایش هیچکدام به عنوان اسلام نبود، سیاستمداری بود داشت فعالیت می کرد و پیروز شد اما من چطور؟ در صورتیکه نسبت به قسم فقط لاتجعلوا لله عرضه لایمانکم اگر انسان خودش فکر کند ببیند که خیلی چیزهایش در خیلی از هدفهایش خدای نکرده، خدای ناکرده تابع هوی بوده. کار را به اسم خدا کرده، یکی از برادران چیزی نوشته بود مرا متأثر کرد، در روزنامه نوشته بود و حرفهایش هم درست بود، نوشته بود که خواهشمندم آقایان امام را برای خودشان حربه قرار ندهند، خودشان چیزهایی می خواهند به امام نیندند، من هدفهای شخصی خودم را به اسم امام پیاده نکنم، اما اگر امام زمان را حربه خودمان قرار دادیم چطور؟ اگر رسول اکرم را حربه خود قرار دادیم چطور؟ مرحوم آشیخ محمد حسین اصفهانی رضوان الله علیه فی الجملة تفسیری دارد از حمد و مقداری از سوره بقره در ترجمه حال ایشان من دیدم که ایشان وقتی وارد اصفهان شده اند خیلی مورد توجه و استقبال مردم

«بسم الله الرحمن الرحيم» در سمینار سراسری ائمه جمعه کشور که به پیشنهاد فقیه عالیقدر حضرت آیت... العظمی منتظری در مدرسه فیضیه قم برگزار شد، اولین شهید محراب آیت... مدنی بنا به درخواست آیت... العظمی منتظری سخنانی در خاتمه سمینار ایراد فرمودند که نظر به اهمیت آن در شناخت ابعاد مختلف این شهید بزرگوار از نظر تان می گذرد.

بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله رب العالمین وصلی الله علی سیدنا محمد وآله طاهرین، برای من اسباب خجالت است که موعظه کنم، خودم را بیشتر از همه به موعظه محتاج می بینم لاکن بعنوان اجابت حدیثی می خوانم، قال صادق (ع) ان الله علم ما العباد عاملون والی ما هم سائرین... ای بسا وقتی ببینیم جمعیت کثیری پشت سرمان و پای خطابه مان هستند مغرور شویم، در صورتی که هر کس خودش را بهتر می شناسد، با اعتقاد مردم بعدالت واقعی بنده منکه عادل نمی شوم انسان فکریایی می کند من امام جمعه هستم، جمعیتی گوش بفرمان من می کنند، جمعیتی بواسطه من آگاه شدند و امثال اینها ولاکن ای بسا هر کدام از این حرفها در جای خودش درست بوده بواسطه یک بیان جنابالی مفسدهای رفع شده، هزاران مفسده رفع شده، افراد زیادی بسه راه راست آمده اند، افرادی بواسطه ما و

شما با خدا آشنا شده اند اما باید این حساب را کنیم ببینیم ما خودمان آشنایتمان چقدر است. والله عنده هذه الایه تقطع الامانی معنایش اینست، ای بسا انسان خیالاتی بکند من ای بسا ننجور

شدم، اما راست راستی اینها برای خدا بوده یک پیش آمدی شد مثلاً مشکلات این شهرویان استان، بواسطه من رفع شد. آیا بواسطه شخص دیگری هم رفع می شد این خوشحالی راداشتم یانه میل داشتم بواسطه من باشد، اگر میل داشتم بواسطه من باشد باید بدانم این مطلب دقیق است وجود مقدس آقا حضرت صادق (سلام الله علیه) تعارف نمی کند، والله عند هذه الایه تقطع الامانی بنده که خودم گاهی به حساب می رسم قسم می دهم خدا را که به عزتت به جلالت به کبریا ئتت به خاصان در گاهت از ما حساب دقیق نکیر همان دیگری نمی خواهیم اما در صورتیکه می دانیم اعتقادمان اینست ارزش عمل بواسطه نیت است اگر نیت برای غیر الهی باشد به چه درد می خورد. معذرت می خواهم چون تاکید شد یکجور توضیح بیشتر میدهم، اگر غیر الله منظور بود، با خواسته دیگران چه فرقی می کند. من